

تحلیل نشانه شناختی آیین قبله دعا (طلب بارش باران) در قشم

بنیامین انصاری نسب¹

چکیده

آب منشاء زندگی است و در طول تاریخ آب به عنوان ضروری ترین ماده برای پیدایش و ادامه حیات از اهمیت و حتی تقدس برخوردار بوده است، در دین اسلام آب جزو مطهرات می باشد و مسلمانان آب را به عنوان وسیله ای برای طهارت و ارتباط با مبدا هستی می دانند. با توجه به اهمیت آب در سرزمین خشک جنوب، طبیعی است که در تمام وجوه زندگی انسان حتی عقاید، باورها، آداب و رسوم نقش محسوسی داشته باشد. یکی از این مناسک آیین قبله دعا یا دعای باران است. این مقاله به تحلیل نشانه شناسی عناصر و کارکردهای اجتماعی تشکیل دهنده این آیین می پردازد. همچنین نشان می دهد که یک الگوی ساختاری آیینی چگونه به تسلی، امنیت عاطفی، نظم اجتماعی و اجتماعی شدن فرد کمک می کند.

واژگان کلیدی: آیین باران، قبله دعا، نشانه شناسی، امنیت عاطفی، نظم اجتماعی

مقدمه

نشانه شناسی به مطالعه‌ی نشانه ها و چگونگی کارکرد آنها می پردازد. در طول تاریخ مطالعات نشانه شناختی با نتایج جالب توجه در حوزه‌ی فیلم، نمایش، پزشکی، معماری، جانورشناسی و بسیاری حوزه های دیگر مربوط به ارتباطات و انتقال اطلاعات به کار برده شده است. در واقع، برخی نشانه شناسان ادعا می کنند که می توان همه چیز را تحلیل معناشناسانه کرد.

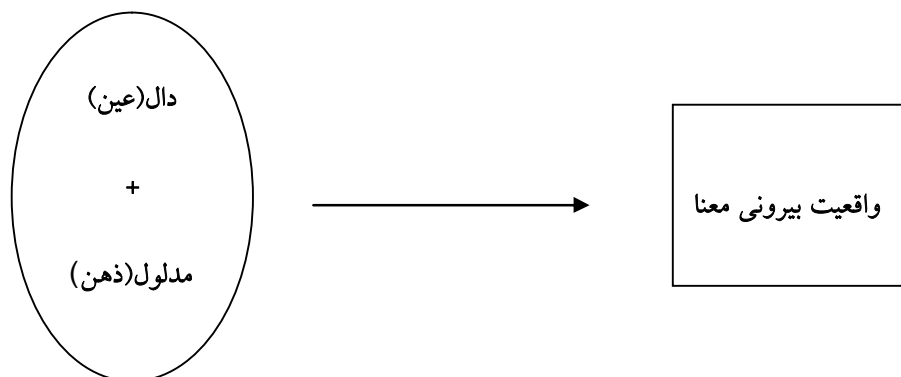
تحلیل نشانه شناختی نوین با کار زبان شناس سویی فردینان دو سوسور² که از او به عنوان پدر زبان شناسی نوین یاد می کنند و فیلسوف آمریکایی چارلز ساندرز پیرس³ که به پدر سنت نشانه شناسی آمریکا معروف است، آغاز می شود. سوسور به مطالعه زندگی و حیات نشانه ها در بطن زندگی اجتماعی می پردازد و در پروژه‌ی خود که تحت عنوان *semiology* مطرح شده است، بر سرشت اختیاری نشانه تاکید می کند. نشانه که موضوعی فیزیکی و معنادار است، از ترکیب دال و مدلول شکل می گیرد. بین این دو رابطه ای طبیعی و یا ضروری برقرار نیست، بلکه رابطه میان آنها از طریق قرارداد، قاعده و یا توافقی برقرار می شود که مورد پذیرش جامعه است. از منظر سوسور، کلید فهم نشانه ها توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه های دیگر بود. به طور کلی سوسور

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات بندرعباس
پست الکترونیک: ben.ansari.n@gmail.com

² Ferdinand de saussure

³ Charles saunders peirce

توجه خود را بیشتر به خود نشانه معطوف کرده است و توجه چندانی به دلالت آن به واقعیت‌های بیرونی نشان نمی‌دهد. مدلی که سوسور برای نظام نشانه‌ها ارائه می‌دهد به شکل زیر است:



پیرس پروژه مطالعاتی خود را *semiotic* می‌خواند و در آن بر دلالت تأکید ویژه‌ای می‌نهد و در واقع نشانه‌شناسی را نظریه‌ی عمومی شیوه‌های دلالت تعریف می‌کند. (اکو، 1387:7)

از نظر پیرس نشانه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

نشانه‌های طبیعی: نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن رابطه‌ی همجواری یا تماس است. مثل رابطه میان دود و آتش. (محسنیان راد، 1387:194)

نشانه‌های تصویری: نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن شباهتی عینی و تقلیدی است. مثل نقش مار که بر خود ماردلالت می‌کند و به سبب شباهت ظاهری می‌توان از اولی به دومی راه برد.

نشانه وضعی یا قراردادی یا نماد: نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن نه شباهت عینی است و نه رابطه همجواری، بلکه رابطه‌ی قراردادی نه ذاتی و خود به خودی. مثل درجات مختلف نظامی در کشورهای مختلف و باشکلهای گوناگون، یا چراغ راهنمایی و رانندگی. (همان، 202)

فرق بین نشانه و نماد از نظر سوسور در این است که نماد دالی است که هیچ گاه کاملاً اختیاری نیست زیرا هیچ گاه بدون معنی نمی ماند و همیشه جزئی از یک پیوند طبیعی بین دال و مدلول وجود خواهد داشت و نماد عدالت (ترازو) را نمی توان با هیچ نماد دیگری جایگزین کرد. (آسابرگر، 1387: 23)

در یک نگاه وسیع به ارتباطات انسانی معاصر، نمادها، علایم و نشانه‌ها، قلمرو مخصوصی را در بر می گیرند. آنها دارای کاربردی اساسی در جهت بیان و تفسیر کنشهای متقابل و روابط میان افراد در گروههای اولیه و ثانویه و در موجودیتهای ملی هستند. علایم بصری، اطلاعات واقعی را عرضه می کنند و گسترش و کاربرد آنها نباید با تولید نشانه های قراردادی و نمادها اشتباه گرفته شود. (محسنیان راد، 1387: 215)

گام اساسی برای تحلیل نشانه شناسی تلقی زبان شناسی، همچون الگو و تعمیم مفاهیم این علم به پدیده‌های دیگر غیر از زبان است. در واقع ما با آیین ها همچون زبان برخورد می کنیم که در آن روابط میان عنصر آن از خود عناصر مهمتر است و به قول جان اتان کالر: «این نظر که زبان شناسی به کار مطالعه سایر پدیده های فرهنگی می آید بر دوبرداشت استوار است: نخست اینکه پدیده های اجتماعی و فرهنگی صرفاً اشیاء یا رویدادهای مادی نیستند بلکه اشیاء یا رویدادهایی معنادار هستند و در نتیجه می توان آنها را نشانه یا علامت به حساب آورد و دوم این که این پدیده‌ها قائم به ذات نیستند، بلکه در شبکه ای از روابط تعریف می شوند.» (آسابرگر، 1387: 19)

نشانه‌ها و روابط دو مفهوم کلیدی تحلیل نشانه شناختی هستند. آیین‌ها را می توان نظامی از نشانه‌ها تلقی کرد و معانی موجود در این آیین‌ها ریشه در نشانه‌ها و نظامی که این نشانه‌ها را به یکدیگر مرتبط می سازد دارند. این نظام معمولاً آشکار نیست بلکه بایستی استنباط شود. (همان، 20)

مراسم آیینی

واژه‌ی آیین⁴ ابتدا به معنای آداب و رسوم بود و بعدها اختصاصاً به معنای رسوم دینی یا جادوگرانه به کار گرفته شد. از این رو می توان گفت: رفتارهای آیینی، نوعی خاص از رفتار هستند که توسط جامعه پذیرفته شده اند و به گونه ای ارتباط افراد آن جامعه را با پدیده های فرامادی یا ماوراء الطبیعه برقرار می کنند.

با تحقیق در ادیان مختلف می توان دریافت که اعتقاد به یک امر قدسی و فراطبیعی، یکی از اصول تمامی آنها را تشکیل می دهد، به طوری که مؤسس یا پیامبر هر دین، خود را فرستاده آن موجود ماورایی می داند و پیام هایی را که اغلب ایدئولوژی پیروان آن دین به حساب می آید، از جانب او به مردم ابلاغ می کند. این پیام ها که شامل مجموعه ای از تعلیمات اخلاقی و رفتارهای خاص است، باعث شکل گیری الگوی زندگی پیروان آن مذهب می شود که معتقدند این پیام ها، در صورت درست اجرا شدن،

⁴ Ritual

باعث تعالی و تکامل افراد خواهند شد و به روابط میان اعضای جامعه، معنا می بخشند و آن را نظام مند می کنند. از طرفی تعالیم دینی باید به گونه ای به پیروان ادیان مختلف تعلیم داده شود و به اجرا درآید. وظیفه اجرایی کردن این تعالیم بر عهده مراسم خاصی است که از آنها به عنوان مراسم آیینی⁵ یاد می شود. که در اسلام آنها را سنن، مناسک و شعائر می نامیم.

بنا بر این، می توان مراسم آیینی را نوع خاصی از گفتار و اعمال منظم دانست که از آموزه های دینی و ماورایی سرچشمه گرفته و یا برای بیان احساسات دینی و مذهبی به کار گرفته می شود و به دلیل قدمت زیادی که دارند در بیشتر موارد با سنت و تاریخ مردمان یک منطقه پیوند خورده اند و جزئی از فرهنگ روزانه و انکارناپذیر مردم شده اند. (عابدی، 1385: 26)

برخورد آیینی با آب

در تاریخ دیر پای این مرز و بوم آب همواره نقش کلیدی داشته و یکی از تنگناهای اصلی مردم ایران زمین به شمار می رفته است تا به آن حد، که اگر سالی باران نمی بارید، زندگی مردم دست خوش خطر و نابسامانی قرار می گرفت.

آب که به روستاها نمی رسید، نه تنها مردم از تشنگی، بلکه از گرسنگی نیز هلاک می شدند، زیرا کشت زارها می خشکید و بیماریهای واگیر شایع می شد.

در این هنگام، انسان ناتوان، هراسان و وحشت زده چه می توانست بکند؟ او که در مقابل مصایب طبیعی و بلاهای آسمانی، بی دفاع بود به دین، سنن و باورهای خود پناه می برد و به دعا و نیایش روی می آورد. به نماز می ایستاد، یا به نیاز می نشست یا به مراسمی خاص و مناسکی ویژه می پرداخت. (فرهنگی، 1383: 156)

مراسم آیینی و مذهبی طلب بارش باران (قبله دعا)

اجرای مراسم آیینی و مذهبی طلب بارش باران (قبله دعا) در جزیره ی قشم از مراسم قدیمی است که تا کنون در جزیره قشم حفظ شده و برای اهالی جنبه ی تقدس پیدا کرده است. در سالهایی که در قشم به موقع باران نمی بارید و آب برکه ها و چاهها تمام می شد و در دشتهای و صحراها، خشکی جای سرسبزی و خرمی را فرا می گرفت و درختها زرد می گشتند و کشاورزان قادر به کشت و کار نبودند و حیوانات علوفه و آب نمی یافتند و انسانها تشنه می شدند و ماههایی که باید در طول آنها باران بیبارد، پشت سر هم سپری می شد، امام جماعت و پیشوای مذهبی قشم که در عین حال مردی با تقوی و پرهیزکار بود، به تکاپو می افتاد و مقدمات رفتن مردم را به «مصلی» و اجرای مراسم «قبله دعا» راطی مراحل زیر فراهم می ساخت: (گروه مهندسی مشاور، 193)

الف) کوجه گردی بچه ها

⁵ Ritual Ceremony

اولین گروهی که فرمان امام و پیشوا را اجابت می کردند، بچه ها بودند ، در آن روزها بلندگو و تلفن و وسایل امروزی نبود ، عده زیادی از بچه ها برای خبر کردن مردم برای شرکت در مراسم قبله دعا و دریافت پول خرد و تقلاات ، دسته دسته با هم در کوچه ها و بازارها براه می افتادند و برای خبر کردن مردم ، سرودها و اشعار مربوط به باران را می خواندند ، به این ترتیب که در شب جمعه یک نفر از کنیزکان پیر یک مقنعه به گردن گره می زد و یک قسمت از شعر را می خواند و بچه ها در جوابش ایشاءالله یا «انشاءالله» می گفتند: (دژگانی، 1384:183)

mišak mišaku	išâlâ	میشک میشکو	ایشاءالله
gardon rišaku	išâlâ	گردن ریشکو	ایشاءالله
yâ rahmân yâ rahim	išâlâ	یا رحمن یارحیم	ایشاءالله
xodâvande karim	išâlâ	خداوندکریم	ایشاءالله
xodâ bâron hâda	išâlâ	خدابارون هاده	ایشاءالله
be meskinon hâda	išâlâ	به مسکینن هاده	ایشاءالله
bey jow kâron hâda	išâlâ	بی جو کارون هاده	ایشاءالله
en Šâlâh bâron hâda	išâlâ	ان شاءالله بارون هاده	ایشاءالله
alâh bâron hâda	išâlâ	الله بارون هاده	ایشاءالله
yâ alâh yâ karim	išâlâ	یا الله یا کریم	ایشاءالله

بچه ها این اشعار را می خواندند و به در خانه ها می رفتند و در می زدند و همانجا همچنان به خواندن ادامه می دادند. صاحبخانه بیرون می آمد و چیزی به بچه ها می داد و اگر بچه ای توی خانه بود همراه بچه ها داخل کوچه راه می افتاد با هم به محله و در خانه دیگری می رفتند. این کار تا مدتی از شب رفته و حتی تا دو روز آینده ادامه داشت ، با آمدن بچه ها به کوچه ها و خیابانها ، مردم می فهمیدند که امام جماعت می خواهد به قبله دعا برود.

(ب) جار زدن بزرگترها

فردای آن روز به دستور امام جماعت عده ای از مردان در شهر جار می زدند و به مردم خبر می دادند که برای خوردن چلو و گوشت و حلیم به قبله دعا بیایند. عده ای از مردم صبح زود ، به محل قبله دعا می رفتند و محل را آب و جارو می کردند و جمعی دیگر دیگهای بزرگ غذا را سربار می گذاشتند و با پولی که جمع کرده بودند تعداد زیادی بز و گوسفند و گاو می خریدند و سر می بریدند و برای ظهر غذای مفصلی تهیه می دیدند و در همانجا بین فقرا توزیع می کردند.

دادن غذا به فقرا و یتیمان و درماندگان دو تا سه روز طول می کشید و بعد به دستور امام جماعت مردم شهر روزه باران می گرفتند و در مسجدهای شهر جمع می شدند و قرآن می خواندند و دعا می کردند و از اعمال بد و ناروای خود توبه می کردند و روز چهارم در پشت سر امام جماعت به سمت محل قبله دعا به راه می افتادند. (گروه مهندسین مشاور، 194)

ج) اجتماع در محل قبله دعا

در این روز نیز عده ای قبل از مردم به محل قبله دعا، می رفتند و ضمن نظافت محل برگزاری مراسم، مقداری زیادی چوب برای سوزاندن جمع می کردند و دیگهای برنج و گوشت را سربار می گذاردند و از خانه ها برنج و روغن می آوردند.

د) روز برگزاری مراسم

در روز استسقاء یا طلب باران ، همه مردم به دستور پیش نماز روزه می گرفتند زیرا معتقد بودند همانطور که پیغمبر (ص) فرموده است ، دعای روزه دار مستجاب می شود. در روز اجرای مراسم ، مردم روزه دار ، تدریجاً تا ساعت هشت صبح به محل قبله دعا وارد می شدند. همه مردم ، لباس سفید و تمیز پوشیده بودند ، اگر برکه نزدیک قبله دعا ، آب داشت از آب برکه ، و در غیر این صورت از آبی که همراه آورده بودند ، عموماً وضو می گرفتند و پشت سر امام صف می بستند و دو رکعت نماز می خواندند و بعد امام دو خطبه می خواند و دعا می کرد و در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود به درگاه خداوند استغاثه می کرد و مردم آمین می گفتند. بعد از خطبه ، شش نفر از جوانان پانزده یا بیست ساله از جمعیت جدا شده و جلو می آمدند و یک نفر با سواد شعر دعای باران را می خواند شش جوان و مردم جواب می دادند. (همان، 195) شعر باران به این شرح می باشد:

(دژگانی، 184، 1384)

ای خداوندا به ما باران بده رحم فرماتو به ما باران بده

ما ضعیفیم و ذلیل و مضطربیم بارالها تو به ما باران بده

هم به حق مصطفی ختم الرُّسُل هم به حق مرتضی باران بده

بندگان عاجز هستند، ای خدا لطف فرما ای خدا باران بده

ما به درگاه تو روی آورده ایم	کن اجابت این دعا، باران بده
روبه تو آورده ایم بهر دعا	کن اجابت این دعا، باران بده
سال بگذشت و نیامد رحمتی	رحمتت بنما به ما، باران بده
از گرانی خوردنیها کم شده	کن کرم ای خالقا، باران بده
مرد و زن گریان و واویلا کنان	رحمتی فرما به ما، باران بده
جملگی گریان و زاری می کنند	کی خدایا، ربنا، باران بده
شیر گشته خشک در پستانها	طفلکان گریان، خدا باران بده
ناله های تشنگان از سر گذشت	لطف کن ای رازقا، باران بده
ماهی در دریا و مرغ اندر هوا	هر دو نالان ای خدا، باران بده
نه گیاهی از زمین روییده است	اندر این سال، ای خدا باران بده
آسمان دورزمین گشته سفید	انزل الرحمه، خدا باران بده
چشمه ها خشکیده اند اندر زمین	هم زبی آبی، خدا باران بده
ز آسمان نازل نگشته قطره ای	برزمین ما، خدا باران بده
مرد و زن، پیرو جوان خردوکلان	جمله گریان کی خدا باران بده
آنچنان از تشنگی درمانده اند	نیست ما را طاقتی باران بده
طاقت ما طاق گشته، ای خدا	ای خدایا، ای خدا باران بده
گر نباشد رزق ماها بیش از این	حق خود بنما، به ما باران بده
حق پیغمبر و اهل بیت او	رحم فرما تو به ما باران بده
حق پیغمبر و اصحاب رسول	ربنا یا ربنا باران بده

عذر ما بپذیر ای پروردگار	هم به حق مصطفی باران بده
نیست حدی برگناه ما همه	لطف خود بنما عطا، باران بده
از سر لطف و کرم جود و عطا	هم به حق اولیا باران بده
اندر اینجا جمع گشته مردوزن	بیر و برنا، ای خدا، باران بده
گرنبارد برسر ما رحمتت	وای بر ما حال ما، باران بده
مرغ و مور و مار و ماهی انس و جن	جمله گویند ربنا باران بده
عابدا زاری مکن کز لطف حق	می دهد باران خدا باران بده

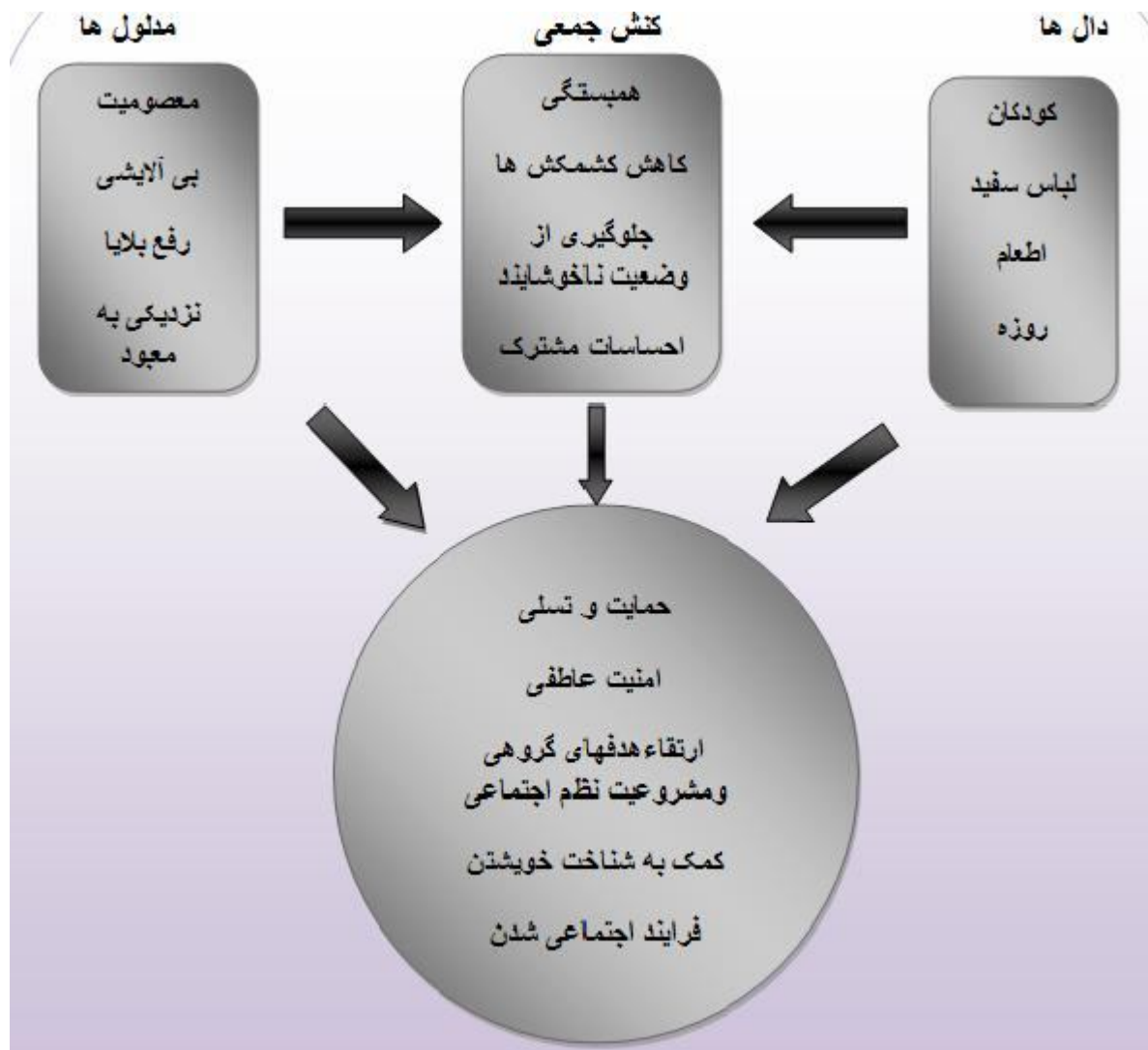
الگوی ساختاری آیین قبله دعا

مراحل انجام یک مراسم آیینی در طول تاریخ با رسومات نمادینی همراه بوده است که هریک از آنها مقدماتی را برای انجام مرحله بعدی فراهم می آورد تا فرایند انجام مناسک کامل شود. مجموعه این اعمال و مناسک ساختار یک مراسم آیینی را شکل می دهد. در اینجا همان گونه که در شکل نشان داده شده است. دارای سه بخش اصلی می باشد، بخش اول دال ها هستند مجموعه ای از نمادهایی که برای نشان دادن بخش دوم یعنی مدلول ها به کار برده می شوند. و به ترتیب شامل: کودکان به عنوان نمادی از معصومیت، لباس سفید نمادی از بی آلایشی و پاکی، اطعام نمادی از جلوگیری و رفع بلا و سرانجام روزه به عنوان نمادی که برای نزدیک شدن به پروردگار یا معبود می باشند.

این دالها و مدلول آنان در بخش سوم به عنوان کنش جمعی تجلی پیدا می کنند و به ترتیب باعث ایجاد همبستگی، کاهش کشمکش، جلوگیری از وضعیت ناخوشایند و احساسی مشترک می شوند، بدین صورت که اگر مردم مانند کودکان پاک و معصوم باشند می توانند همبستگی شان را حفظ کنند. همان طور که کودکان در بازی باهم قهر می کنند اما روز بعد دوباره بازی را از نو با یکدیگر ادامه می دهند مثل اینکه اصلا اختلافی وجود نداشته است! و این جمع کودکانه هیچ گاه از هم گسسته نمی شود.

هنگامی که مردم از هر طایفه و قومی، دوریا نزدیک برای رفتن به مراسم یکپارچه سفید پوش می شوند، نشان دهنده صلح، پاکی و یکدستگی است که باعث از بین رفتن کشمکشها و خصومتها و شخصی و قومی یا طایفه ای می شود. از طرفی دیگر اطعام به مسکینان و مستمندان یکی دیگر از راههایی است که برای رفع بلا و جلوگیری از پیشامدهای ناخوشایند در روزهای قبل از مراسم قبله دعا بکار گرفته می شود. و پس از انجام تمامی این مراحل یعنی هنگامی که دالها صاف از هرگونه کینه ای شد و کارهای اطعام نیز برای رفع بلا یا به خوبی انجام شد و مردم خود را از هرگونه پلیدی و ناپاکی دنیوی پاک کردند در مرحله پایانی برای نزدیکی به

خداوند و برآورده شدن حاجات و قبول دعاها که در این مراسم مقصود نزول باران است، روزه گرفته و توبه می کنند؛ زیرا معتقدند دعای فرد روزه دار بهتر مورد قبول پروردگار واقع خواهد شد.



کارکردهای اجتماعی :

امام جمعه با فراخوان مراسم قبله دعا مردم را به سمت یک همبستگی ارگانیک که بر پایه وجدان جمعی (ایمان مشترک) بنا نهاده شده سوق می دهد.

دورکیم در نخستین آثارش گفته بود که نظامهای نیرومند مبتنی بر باور مشترک، مختص همبستگی مکانیکی در جوامع ابتدایی اند، ولی همبستگی ارگانیک که از تنوع فزاینده و پیشرفته تقسیم کار و نیز وابستگی متقابل هر چه بیشتر پدید می آید، برای پیوند دادن اعضای جامعه به باورهای مشترک کمتری نیاز دارد. اما او بعدها این نظرش را تعدیل کرد و تأکید نمود که حتی نظامهای

برخوردار از همبستگی ارگانیک بسیار پیشرفته نیز اگر نخواهند به صورت توده ای از افراد خودبین و متجاوز به حقوق همدیگر متلاشی شوند، باید بر پایه یک ایمان مشترک یا وجدان جمعی مبتنی شوند.

دورکیم در سن کمال دریافته بود که تنها اگر اعضای یک جامعه متکی بر یک رشته تجلی های نمادین مشترک و نیز مفروضات مشترک درباره جهان پیرامونشان باشند، می توان وحدت اخلاقی شان را تضمین کرد. او معتقد بود که بدون یک چنین اعتقادات مشترک هر جامعه ای چه جدید و چه ابتدایی، محکوم به تباهی و فروپاشیدگی است. (کوزر، 191:1389) دورکیم می گفت که پدیده های مذهبی زمانی در جامعه پدید می آیند که میان پهنه دنیوی، یعنی قلمرو فعالیت های مفید فایده روزانه و قلمرو مقدس که راجع است به امور خدایی، فروگذرنده و خارق العاده، جدایی ای پیش آید. یک پدیده ذاتاً دنیوی یا مقدس نیست، بلکه زمانی یکی از این دو خصلت را پیدا می کند که مردم یا برای آن پدیده ارزش فایده آمیز قایل شوند و یا برعکس، صفات ذاتی ای به آن نسبت دهند که به ارزش وسیله ایش هیچ ارتباطی نداشته باشند.

مومنان به فعالیت های مقدس به عنوان وسایل دستیابی به هدف شان ارزش قایل نمی شوند، بلکه اجتماع مذهبی به عنوان بخشی از پرستش به این فعالیت ها اهمیت می بخشد. تمایز قایل شدن میان پهنه های مقدس و دنیوی، همیشه از سوی گروهایی انجام می پذیرد که در یک کیش به هم پیوند خورده باشند و به وسیله نمادهای مشترک و اشیای مورد پرستش، وحدت یافته باشند. دین « یک پدیده سراسر جمعی » و وسیله ای است که انسان ها را به همدیگر پیوند می دهد. (همان، 198)

در آیین قبله دعا کودکان اولین افراد جامعه هستند که دعوت امام جمعه را پذیرفته و برای خبرکردن مردم در مراسم اقدام می کنند، آنها به عنوان معصوم ترین افراد، نماد بی ریایی و خلوصی است که افراد شرکت کننده در این مراسم باید داشته باشند، پیوستن دیگر کودکان که در خانه هستند به این بچه ها و افزایش هرچه بیشتر جمعیت آنها نشان از همدلی و پیوستگی بین افراد دارد.

اطعام فقرا و یتیمان که چند روز طول می کشد، مقدمه ای است که دوری جستن از گناه و معصیت را نشان می دهد، زیرا بعد از آن به دعا و قرآن خواندن می پردازند و سپس روزه گرفتن، برای نزدیکی به درگاه خداوند و استجاب دعاهایشان، آنها در روز مراسم لباس تمیز و سفید که نشانه پاکی و بی آلاشی از هرگونه تعلق دنیوی است می پوشند.

همین مناسک است که احساسات دینی را ایجاد، تقویت و تجدید می کند و حس وابستگی به یک قدرت خارجی روحانی و اخلاقی را که در واقع همان جامعه است، تشدید می کند. همین مناسک و ماهیت جمعی چنین گردهمایی هاست که این همه شور و شوق بر می انگیزد و شرکت کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیین های دینی آگاه می کند. بدین سان مناسک، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می کند.

همچنان که بیان شد به نظر دورکیم، مناسک اساساً برای حفظ انسجام گروهی اند، اما شرکت کنندگان در مناسک غالباً بر این باورند که مناسک وضعیت خوشایندی را به ارمغان می آورد و یا از یک وضعیت ناخوشایند جلوگیری می کند. (همیلتون، 178:1387)

آیین‌ها و مناسک برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری اند که خوراک برای حفظ سلامت جسمانی ما، زیرا از طریق همین مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می کند. بنابراین شکل یک منسک و مقصود اعلام شده اش چندان اهمیتی ندارد. کارکرد واقعی مناسک همیشه یکی است. اهمیت ندارد که اعضای گروه برای چه کاری گرد هم می آیند، امر اساسی این است که انسان‌ها گرد هم می آیند، احساسات مشترکی را تجربه می کنند و به صورت یک کنش جمعی آن را بیان می کنند. ماهیت خاص این احساسات و کنش‌ها، چیزی ثانوی و وابسته به موقعیت است. (همان، 179) برگزاری آیین قبله دعا به صورت دسته جمعی ضمن اینکه منجر به کنش جمعی می شوند از لحاظ روحی و روانی، شادابی، کاهش تنش‌های عاطفی، رفع تیرگی‌های روابط بین افراد و کاهش کشمکش‌های اجتماعی را به همراه دارد.

مفهوم آرمان و کمال در جریان برگزاری مناسک دسته جمعی پدیدار می شود. عاطفه شدیدی که در چنین فرصت‌هایی برانگیخته می شود، احساس خارق‌العاده‌ای پدید می آورد که طی آن، شرکت‌کنندگان احساس می کنند دگرگون شده‌اند و محیط زندگی روزانه‌شان را نیز به همین سان، دگرگون شده احساس می کنند. انسان‌ها برای تبیین این حالت، به چیزهایی که در غیر این حالت عادی اند، قدرت‌ها و کیفیت‌های خارق‌العاده‌ای نسبت می دهند و از همین رهگذر مفهوم امر مقدس پدید می آید.

بدین سان واقعیت عادی، بُعد آرمانی و کاملی پیدا می کند. بنابراین، مفهوم جهان‌آرمانی از طریق و روند زندگی جمعی و تجربه اجتماعی پدید می آید. البته این مفهوم یک امر فطری نیست، بلکه محصول طبیعی زندگی اجتماعی است. اگر می بینیم دین، از برخی آرمان‌ها پاسداری می کند و با چه باید کردها سر و کار دارد، برای آن است که خود این قضیه یک فرآورده اجتماعی است. ساختمان آرمانی جامعه از رهگذر رشد جامعه واقعی، ملموس و بالفعل موجود شکل می گیرد و محصول همین جامعه موجود است. (همان، 186)

”رایج کینگزلی دیویس“ با عنوان جامعه بشری (1948)، نمونه بارزی از این نوع رهیافت است. او در فصل مربوط به دین که عنوانش «نهادهای دینی» است، کارکردهای مثبت دینی را بر می شمارد و می گوید: «دین احساساتی را که به جامعه انسجام می بخشد توجیه عقلانی و پشتیبانی می کند. به نظر می رسد بیان باورداشت‌های همگانی از طریق مناسک دسته جمعی، دلبستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید می کند. دین، عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می کند و این هنجارها را بالاتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می دهد. دین، یگانگی افراد جامعه را با همدیگر تقویت می کند.» (همان، 200)

با این اوصاف، پنج کارکرد اجتماعی آیین قبله دعا را برای افراد جامعه می توان برشمرد:

- 1- برای انسان، حمایت و تسلی به بار می آورد و از این طریق، ارزش ها و هدف های تثبیت شده را پشتیبانی می کند.
- 2- از طریق آیین ها و مراسم، امنیت عاطفی و نقطه ای اتکای ثابتی در بحبوحه ی ناسازگاری های آرا و عقاید برای انسان به بار می آورد. این کارکرد، به نظم اجتماعی استواری می بخشد و غالباً به حفظ وضع موجود کمک می کند.
- 3- به هنجارها تقدس می بخشد و هدف های گروهی را بر فراز هدف های فردی قرار می دهد و نظم اجتماعی را مشروع می کند.
- 4- به انسان در شناخت خودش کمک می کند و باعث می شود که او احساس هویت کند.
- 5- در فرایند رشد انسان بسیار اهمیت دارد، زیرا به افراد در بحران های زندگی و مقاطع گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر کمک می کند و در نتیجه، بخشی از فرایند اجتماعی شدن به شمار می آید. (همان، 208)

نتیجه گیری :

مناسک بی گمان یکی از پیچیده ترین و متنوع ترین صورتهای رفتار بشری اند و جنبه ها و ابعاد بسیار متفاوتی دارند.

مناسک ممکن است برای انواع مقاصد، مانند احترام به خدایان، خوشبختی، محافظت از خطر، یاد بود تولد، زناشویی و مرگ برگزار شود. انسان شناسان معمولاً این مناسک را مانند وسیله ای تعبیر می کنند که جامعه، اجتماع یا گروه، با این وسیله از ارزش ها و اصول اساسی اش حمایت و سامان اخلاقی اش را حفظ می کند. مناسک ضمن نمایشی بودن، ابزاری عملی و اجتماعی، دارای معنایی با محتوای روانی و فردی و با وجود همانندی، با فرم و صورتهای دیگر فعالیت بشری نوع خاص و مستقلی از فعالیت بشری را باز می کنند.

قبله دعا به عنوان یک آیین دسته جمعی معمولاً طبقات رایج اجتماعی را که باعث تقسیم بندی اعضای جامعه و ایجاد خط کشی های سخت می شوند تضعیف و به طریق اولی حذف می کنند. مناصب، مقام ها، موقعیت ها و پایگاه های اجتماعی حین برگزاری جشن ها عامل اساسی به شمار نمی روند. بنابراین می توان گفت که برگزاری مراسم همانند مناسک دینی از جمله عوامل ایجاد همبستگی، انسجام و وفاق اجتماعی هستند. به ویژه اینکه در آن ها تنوع بیشتری به چشم می خورد.

با این وصف آیینهای گروهی در خدمت حفظ منافع جمعی است، چرا که همبستگی اجتماعی را تضمین کرده و سلامت روحی و روانی اجتماع را به ارمغان می آورد. به هر حال ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی برای ادامه حیات مفید و ثمر بخش جوامع، بسیار

مهم و تعیین کننده است. جشن های گروهی ابزار مناسبی برای ایجاد چنین همبستگی اجتماعی به شمار می روند چون معمولاً برگزاری جشن ها با هر عنوان و دلیلی که باشد مورد استقبال عموم مردم قرار می گیرد.

چیزی که شادابی و نشاط و همبستگی و انسجام اجتماعی را همزمان به وجود می آورد؛ شایسته آن است که بیشتر از آنچه امروز هست مورد عنایت قرار گیرد.

آیین قبله دعا کارکردی این چنینی دارند بنابراین ایجاد شور و نشاط بین افراد جامعه و در نتیجه دستیابی به یکپارچگی اجتماعی در گرو توجه ویژه به آن است.

منابع:

- 1- اکو، امبرتو (1387) نشانه شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، انتشارات ثالث
- 2- آسابرگر، آرتور (1387) روشهای تحلیل رسانه ها، ترجمه پرویز اجلالی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها
- 3- محسنیان راد، مهدی (1387) ارتباط شناسی، انتشارات سروش
- 4- کوزر، لویس (1389) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی
- 5- همیلتون، ملکم (1387) جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات ثالث
- 6- فرهنگ، بیژن (1383)، **ترنم آب در گذر زمان** (مروری بر سازه های آبی ایران زمین)، کمیته ملی سدهای بزرگ ایران
- 7- گروه مهندسين مشاور عرضه نگار، **بررسی بناهای تاریخی آبی استان هرمزگان** (فاز اول جزایر استان جلد اول)، تحقیق وزارت نیرو شرکت سهامی آب منطقه ای هرمزگان
- 8- دژگانی، فاطمه (1384) **قشم نگینی بر خلیج فارس**، انتشارات سیروان
- 9- عابدی، حمید (1385)، **رسوم آیینی و ارزش های اخلاقی، مجله مدیریت زندگی، تیر و خرداد، شماره 29**

